

تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به «تشبیه»

مصطفی کمالجو

استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه مازندران

الهام زارع

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

(از ص ۷۷ تا ۹۵)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۲

چکیده

سعدی شیرازی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان است که بر زبان عربی هم مسلط بوده است. با وجود تسلط سعدی بر زبان عربی، اشعار عربی، بخش کوچکی از اشعار او را به خود اختصاص داده است. ولی همین اشعار کم، نشان‌دهنده جایگاه رفیع سعدی در میان شاعران ایرانی عربی‌سرا است. در این مقاله تشبیه که از موضوع‌های محوری حوزه علوم بلاغی محسوب می‌شود در اشعار عربی سعدی بررسی و تحلیل می‌شود و نشان داده می‌شود که شیوه کاربرد تشبیه چه از جهت شکل و چه از نظر محتوا، نشان‌دهنده زبان خاص این شاعر می‌باشد. تشبیه در اشعار سعدی، علاوه بر کیفیت خاص، فراوان یافت می‌شود. نویسنده انواع تشبیهات به کار رفته در ابیات عربی را بررسی کرده تا بخشی از زیبایی‌های شعر این شاعر بیش از پیش آشکار شود. سعدی در اشعار عربی خود انواع تشبیه؛ مفصل، مجمل، مؤکد، مجمل بلیغ و... را به کار برده است. نوع و میزان تشبیهاتی که وی به کار برده نشان‌دهنده آن است که وی بیش از آن‌که به دنبال نشان دادن توانایی خود در به کارگیری صنایع ادبی باشد در پی ابلاغ معنا بوده است.

واژه‌های کلیدی: سعدی، اشعار عربی، علم بیان، تشبیه، مشبّه و مشبّه‌به.

مقدمه

«تشبیه» که مصدر باب تفعیل و در لغت به معنای همانندی و هم‌گون بودن دو چیز است (مسعود، ۱۳۸۷: ۲۲۴) از نظر بسیاری از بلاغیون از مباحث مهم علم بیان است. «علم بیان مربوط به معناست و از این‌رو جهانی است و اختصاص به زبان و ملت خاصی ندارد. همان‌طور که در شعر شاعر عرب یا ایرانی، تشبیه و استعاره هست، همان‌طور در شعر شاعر قبیله آمازون یا آمریکا هم تشبیه و استعاره وجود دارد. می‌توان گفت که یک متن ادبی از یک دستور زبان جهانی ادبی و یک شاعر از یک فطرت زبانی جهانی متابعت می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۳).

به همین علت است که معمولاً شاعرانی که در میان اهل زبانی خاص، شهرت پیدا می‌کنند، شهرت جهانی هم می‌یابند و با وجود اینکه در ترجمه آثار به دیگر زبان‌ها حق مطلب به تمامی ادا نمی‌شود، باز هم این شاعران در میان اهل زبان‌های دیگر جایگاه خاصی می‌یابند.

سعدی از شاعرانی است که شهرت جهانی دارد و شعرش هم ارزش جهانی دارد و در میان اهالی دیگر زبان‌ها به‌خصوص زبان عربی شناخته شده است. هنرنمایی سعدی در این است که نثر او آهنگین و نزدیک به شعر و شعر او نزدیک به نثر و روان است. توسعه و اعتلای تمام فنون ادب عربی از لغت و نحو و تفسیر قرآن و معانی و بیان و بدیع و نقد شعر مرهون ظهور اسلام و قرآن مجید است. به این سبب آن را جزء علوم قرآنی شمرده‌اند. فن معانی و بیان و هم‌چنین فن بدیع که از علوم بلاغت محسوب می‌شوند مثل سایر فنون ادبی در عهد امویان [۴۱-۱۳۲] یا در صدسال اول بعد از عهد خلفای راشدین یعنی سنوات مابین ۴۰-۱۴۱ هجری به‌وجود آمده و در دولت عباسی نضج و کمال یافت.

قسمت‌هایی که اکنون از هم جدا شده، به سه فن معانی و بیان و بدیع موسوم است، در ابتدای امر به یکدیگر مخلوط و ممزوج بوده و تدریجاً که مباحث آنها وسعت یافته هر کدام فنی جداگانه گردیده است. مؤسس و تدوین کننده فن بیان شیخ عبدالقاهر جرجانی از مشاهیر علمای ایرانی ادب قرن پنجم هجری است (همای: ۱۳۷۳: ۱۱-۱۲).

شیوه‌ها و روش‌های تخیل، در دانش بیان بحث می‌شود و علم بیان چگونگی آوردن یک معنی واحد به سبک‌های گوناگون را بیان می‌کند (تفتازانی، ۱۴۰۷ ه. ق، ۳۰۰).

پیشینه تحقیق

درباره آثار فارسی سعدی به نسبت کتاب‌های زیادی نوشته شده و بعضی از این آثار، اشعار فارسی سعدی را با موازین علم بیان و معانی بررسی کرده‌اند و تا جایی که نویسنده بررسی کرده، در مورد ابیات عربی سعدی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های زیر کار شده است.

۱. مؤید شیرازی به ترجمه «شعرهای عربی سعدی» همت گماشتند که انتشارات دانشگاه شیراز به نشر این کتاب در سال ۱۳۷۲ اقدام کرد.

۲. موسی اسوار نیز به ترجمه «اشعار عربی سعدی» اقدام کرد که این کتاب به سال ۱۳۹۰ به همت مرکز سعدی‌شناسی با همکاری دانشنامه فارس منتشر شد.

۳. همای معترف، در پایان‌نامه کارشناسی خود در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ به «ترجمه و شرح لغات (دویست بیت) قصاید عربی شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی» پرداخته است.

۴. روح‌الله زارع دمیرچی، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۸۵ به «بررسی ویژگی‌های موضوعات و مضامین اشعار عربی سعدی» پرداخته است. وی به دسته‌بندی موضوعی اشعار عربی سعدی پرداخته و ترجمه اشعار را نیز آورده است.

۵. احمد دوستی، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۸۶ به «آرایه‌های ادبی در قصاید عربی سعدی» پرداخته است.

۶. محمد اکبری، در سال ۱۳۹۰ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در پژوهشکده ادبیات به «مقایسه و تحلیل نمونه‌هایی از غزلیات عربی و فارسی سعدی از دیدگاه علم بیان» پرداخته است وی به بررسی اشعار عربی و تأثیر پذیری سعدی از قرآن و حدیث در این اشعار و بررسی مجاز و استعاره در غزلیات انتخاب شده

درآمدی بر تشبیه

تشبیه و تمثیل هم موجب روشنی و فصاحت است و هم مایه زیبایی سخن. به همین دلیل از قدیم تاکنون آوردن ضرب‌المثل‌ها و حکایات و کلمات قصار تشبیهی یکی از وسایل روشنگری و فهماندن مطلب بوده است. گاهی تشبیه و تمثیل به صورت حکایتی است که موجب روشنی موضوع می‌شود و در این صورت کلام با نقل توأم می‌شود (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۲-۵۶۱).

«تشبیه مشارکت دادن دو طرف است در یک امر یا در وصفی از اوصاف با الفاظ حاصل و معین» (صفا، ۱۳۷۳: ۳۸).

تشبیه، ادعای همانندی دو چیز است که در بعضی ویژگی‌ها دارای وجوه مشترکی باشند و بالطبع این عناصر اختلافاتی هم خواهند داشت. بسیاری از ادبا بر این عقیده‌اند که هرچه وجوه اختلاف بین دو چیز بیش‌تر باشد تشبیه کردن آنها به همدیگر ارزش هنری بیش‌تری دارد، زیرا این کار نشان می‌دهد که هنرمند نسبت به ارتباط موجود میان عناصر طبیعت و اشیا حساس‌تر است و حقایق نهفته را دقیق‌تر درک می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۷).

تعریف فوق از تشبیه این موضوع را تأیید می‌کند چون واژه ادعا در این تعریف یعنی این‌که می‌تواند وجه شباهت بسیار کم باشد یا خیلی روشن نباشد و وجه شباهت آنها فقط در ذهن و خیال کسی به تصویر درآید و دیگری آن را بپذیرد یا نپذیرد چون تصویر حاصل امری ادعایی است (محمدزاده داغمه‌چی، ۱۳۹۰: ۴۰).

لذتی که مردم از انواع تشبیه می‌برند بی‌گمان لذتی مساوی نیست، بسیاری از تشبیهات که برای یک‌تن ممکن است شیرین و لذت‌بخش باشد، برای دیگری ممکن است سطحی و بی‌ارزش و غیرهنری جلوه کند (اردلان جوان، ۱۳۷۴: ۲۲). لذتی که مردم از تشبیه می‌برند، متفاوت است و بسیاری از تشبیه‌ها در گذر زمان و بر اثر تکرار رنگ می‌بازند و تازگی خود را از دست می‌دهند. نوع تشبیه‌ها، هم در گذشته و حال، دچار گوناگونی شده و مخاطبان را گاه جذب کرده و گاه آنان را رانده است. پیشینیان تشبیه ساده و حسی را بیش‌تر می‌پسندیدند و پسینیان تشبیه‌های لطیف و نازک را و شاید

طرز عقاید مذهبی و دینی رایج در محیط، از مسائلی باشد که نوع تشبیه را در ادب یک قوم تعیین می‌کند (طالبیان، ۱۳۸۴: ۸۱).

در آثار پرشماری که در عرصهٔ پهناور ادب فارسی، به رشتهٔ تحریر درآمده است، همواره تشبیه یکی از عناصر اساسی صور خیال، در این آثار بوده است. به‌همین دلیل است که از طریق عنصر تشبیه، می‌توان به مهارت نویسندگان پی برد و علاوه بر آن به لایه‌های اندیشهٔ پنهان شده در بطن این تشبیهات، راه وصول یافت (رحمتی، ۱۳۸۹: ۴۵).

اشعار عربی سعدی

احسان عباس عقیده دارد که روزگار بر شعرهایی که سعدی به عربی سروده است، ستم کرده، جای جای از آن کاسته و با تصحیف و تحریف بر آن گزند رسانده است. به‌گفتهٔ وی این اشعار آن عنایتی را که شعر فارسی سعدی از آن برخوردار بوده نیافته و از همین‌رو بسیاری از آن، پیش از این که کسی آنها را از دست نابودی نجات بخشد، از میان رفته است و شاید ابیات پراکنده‌ای که در آخر دیوان آمده است، گویای همین حقیقت باشد، زیرا دلیل وجودی این ابیات از دوصورت خارج نیست: یا بیت‌هایی که سعدی سروده است تا در قصیده‌هایی بگنجانند- فرض ضعیف‌تر- و یا سطرهای بازمانده از شعرهایی است، که اصل آنها از میان رفته است و فرض اخیر از نظر وی مرجح است (مؤید شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۴).

تشبیه به لحاظ حضور یا عدم حضور ارکان

تشبیه در اشعار عربی سعدی با توجه به حضور یا عدم حضور ارکان به پنج دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: تشبیه مجمل، تشبیه مفصل، تشبیه مؤکد یا بالکنایه، تشبیه مرسل صریح و تشبیه بلیغ. از میان این پنج دسته، تنها تشبیه مؤکد یا بالکنایه در اشعار عربی سعدی وجود ندارد.

۱. تشبیه مجمل: تشبیهی که وجه‌شبه یا ملزومش در آن ذکر نشده باشد (عرفان،

علی ظاهری صبرٌ کنسج العناكب و فی باطنی همٌ کلدغ العقارب

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: بر ظاهر صبری همانند تار عنکبوت و در درونم اندوهی چون نیش کژدم است.

که در آن «صبر» به «نسج العناكب» تشبیه شده و «هم» به «لدغ العقارب» و ادات تشبیه در آن «ک» است. این نوع تشبیه در بین اشعار عربی سعدی در ۵ بیت وجود دارد.

۲. تشبیه مفصل: تشبیهی که وجه شبه یا ملزومش در آن ذکر شده باشد (عرفان، ۱۳۸۱: ۴۴).

إنما مثل الدنيا وزینتها ریحٌ تمرُّ بآكام و أطواد

(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۴۴)

ترجمه: دنیا و زیبایی هایش چون بادی است که بر تپه‌ها و کوه‌ها گذر می‌کند. سعدی در این بیت دنیا و زینت‌های آن را به باد تشبیه کرده و وجه شبه آن دو گذرندگی است.

وقفْتُ بعبادان أرقب دجلةً كمثل دمٍ قانٍ یسیلُ إلى البحر

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۲)

ترجمه: در آبادان ایستادم و به دجله نگریستم که چون خونی سرخ به سمت دریا جاری است.

وجه شبه در این بیت سرخی و جاری بودن است که از بیت دریافت می‌شود.

لعمرك لو عاينت ليلةً نفرهم كأنَّ العذاری فی الدجی شُهْبٌ تسری

(همان: ۸۳۱)

ترجمه: به جان تو سوگند اگر شب جدایی آنان را می‌دیدم، دوشیزگان چون شهاب‌هایی در تاریکی حرکت می‌کردند.

وجه شبه سیر کردن است که در بیت وجود دارد. این نوع تشبیه ۱۲ بار در میان اشعار عربی سعدی ذکر شده است.

۳. تشبیه مرسل یا صریح: تشبیهی که ابزار تشبیه در آن ذکر شده است

و إن سَجَعَ القمريُّ صُبْحاً أَهْمَنِي لَفَقَدِ أَحْبَائِي كَصَرَخَةِ نَاعِبٍ

(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۲۸)

ترجمه: بامدادان که قمری نغمه‌سرای می‌کند آواز او چون بانگ زانگ مرا در فراق یاران غمگین می‌کند.

ادات تشبیه «ک» به معنی مانند در بیت وجود دارد.

بقلبي هوَيِّ كَالنَّمْلِ يَا صَاحِبَ لِمَ يَزِلُّ تُفَرِّضُ أَحْسَائِي وَ يَخْفَى ذَبِيْبُهُا

(همان: ۳۲)

ترجمه: ای دوست! من در دلم عشقی دارم که مثل مورپانه درونم را می‌خورد و حرکتش پیدا نیست.

«هوئی» با ادات تشبیه «ک» به نمل، تشبیه شده است. این نوع تشبیه ۲۲ بار در میان اشعار عربی سعدی ذکر شده است.

۴. تشبیه بلیغ: تشبیهی است که نیکویی‌اش به درجه قبول رسیده باشد یا تشبیهی است که دل‌پذیر و زیبا باشد. پس هر وجه‌شبهی که ظهورش اندک باشد و در درک آن نیاز به اندیشیدن پیدا شود این تشبیه در جان کارآمدتر است و بازتاب روانی و هیجان بیش‌تری را می‌طلبد. چون انسان این‌گونه است که اگر چیزی را پس از جستجوی بسیار به‌دست آورد و برای رسیدن به آن متحمل شور و شوق شده باشد دست‌یابی به آن شیرین‌تر و جای‌گیری آن در جانش ارجمندتر و لطیف‌تر است و نفس نسبت به آن بخیل‌تر و دل بسته‌تر است و چقدر شبیه است این معانی [که پس از رنج به‌دست می‌آید به گوهری که در صدف است، جلوه نمی‌کند مگر این‌که آن را بشکافی و شبیه است به یاری که در پرده رفته، روی به تو نمی‌نماید مگر این‌که اجازه بخواهی و اذن بگیری] (عرفان، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۳-۶۴).

و إن غمدوا سيف اللواظف في الكرى أليس لهم في القلب ضربة لازب

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: اگر شمشیر نگاه را در غلاف کنند آیا زخمی کاری بر دلشان وجود ندارد؟

سعدی نگاه را به شمشیر تشبیه کرده است.

أَقْرَبُّ بَأْنِ الصَّبْرِ أَلْزَمُ مُؤْنَسٍ بَلِي فِي مَضِيقِ الْحَبِّ أَغْدَرُ صَاحِبِ

(همان: ۸۳۱)

ترجمه: اقرار می‌کنم که شکیبایی دائمی‌ترین هم‌دم است، اما در سختی عشق بی‌وفاترین همراه است.

سعدی عشق و محبت را به تنگنا تشبیه کرده است. او در میان اشعار عربی «۷۱» بار از تشبیه بلیغ استفاده کرده است.

و جَلْبَابُ عَهْدِي لِأَيْرْتُ جَدِيدَةٌ و رَوْضَةُ حُبِّي لِأَيَجَفَّفُ رَطِيبِيهَا

(همان: ۸۳۱)

ترجمه: و نو بودن لباس پیمان من کهنه و شادابی و تازگی باغ عشق من پژمرده نمی‌شود.

انواع تشبیه به لحاظ شکل

تشبیه از نظر شکل به هشت قسم تقسیم می‌شود که عبارتند از: تشبیه ملفوف، تشبیه مفروق، تشبیه تسویه، تشبیه جمع، تشبیه مقلوب، تشبیه مضمَر، تشبیه مشروط و تشبیه تفضیل. از میان این تشبیهات، تنها تشبیه مفروق، تسویه و تفضیل در میان اشعار عربی سعدی یافت می‌شود.

۱. تشبیه مفروق: در این تشبیه چند مشبه و مشبه‌به وجود دارد اما هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

عَلِي ظَاهِرِي صَبْرٌ كَنَسَجِ الْعَنَاقِبِ وَ فِي بَاطِنِي هَمٌّ كَلَدَغِ الْعُقَارِبِ

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: بر ظاهر من صبری همانند تار عنکبوت و در درونم اندوهی چون نیش کژدم است.

أَشْبَبَهُ مَا أَلْقَى بِيَوْمِ قِيَامَةٍ وَ سَيْلٌ ذَمُوعِي بَانْتِثَارِ الْكَوَاكِبِ

(همان: ۸۳۴)

ترجمه: آنچه را که با آن مواجه می‌شوم چون روز قیامت و سیل اشک‌هایم را چون ستارگان پراکنده می‌بینم.

و يَوْمِ وَصَالِهِنَّ صَبَاحُ عِيدِ لِيَالِي بَعْدَهُنَّ مَسَاءُ مَوْتِ

(همان: ۸۳۷)

ترجمه: شب‌های پس از آنان چون شامگاه مرگ و روز وصلشان چون بامداد عید است. تشبیه مفروق در سه بیت از ابیات عربی سعدی مشاهده شد که در همهٔ موارد، دو مشبّه و مشبّه‌به پشت سر هم آمدند.

۲. تشبیه تسویه: هنگامی است که برای چند مشبّه یک مشبّه‌به بیاورند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

أَمَّا مِثْلَ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا رِيحٌ تَمُرُّ بِأَكَامٍ وَ أَطْوَادِ
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۵)

ترجمه: دنیا و زیبایی‌هایش چون بادی است که بر تپه‌ها و کوه‌ها گذر می‌کند. تنها یک مورد تشبیه تسویه در میان اشعار عربی سعدی یافت شده و در آن برای دو مشبّه «دنیا» و «زینت‌های دنیا» مشبّه‌به «باد» آورده شده است.

۳. تفضیل: در این نوع تشبیه مشبّه را به چیزی تشبیه می‌کنند و سپس از گفتهٔ خود عدول کرده مشبّه را بر مشبّه‌به ترجیح می‌نهند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

لِحَا اللَّهِ بَعْضَ النَّاسِ يَأْتِي جِهَالَةً إِلَى سَاقٍ مَحْبُوبٍ يُشَبَّهُ بِالْبَرْدِ
وَ سَاقٌ حَبِيبِي حِينَ شَمَّرَ ذَيْلَهُ كَرْدَنَ حَرِيرٍ مُمْتَلِ وَرَقِ الْوَرْدِ
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۷)

ترجمه: لعنت خدا بر برخی مردم باد که از روی نادانی ساق محبوب را به تگرگ تشبیه می‌کنند. ساق محبوب من وقتی که دامن بالا بزند چون آستین ابریشمی پر از گلبرگ است.

شاعر ساق محبوب را بر پاپيروس ترجیح می‌دهد و به حریر تشبیه می‌کند.
مَحَابِرَ تَبِكِي بَعْدَهُمْ بِسَوَادِهَا وَ بَعْضُ قُلُوبِ النَّاسِ أَحْلَكُ مِنْ حَبِيرِ
(همان: ۸۲۱)

ترجمه: بعد از آنها دوات‌ها بر سیاهی مرکب خود می‌گیرند و دل برخی از مردم سیاه‌تر از مرکب است.

با وجود این که مرکب نماد سیاهی است، سعدی قلب بعضی از مردم را از مرکب هم سیاه‌تر می‌داند.

قَدْ غَلَبْتُمْ رَوَائِحَ الْمِسْكِ طَيِّباً وَ قَهَرْتُمْ مَحَاسِنَ الْوَرْدِ نَشِراً
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۵) www.SID.ir

ترجمه: شما در خوش بویی از شمیم مشک و در پراکندن عطر از گل‌های زیبا پیشی گرفته‌اید .

تشبیه به اعتبار حسّی و عقلی بودن طرفین

تشبیهات به اعتبار عقلی و حسّی بودن طرفین تشبیه به چهار گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: تشبیه حسّی به حسّی، تشبیه محسوس بر معقول، تشبیه معقول بر محسوس و تشبیه معقول بر معقول که از این میان مورد آخر در میان اشعار عربی سعدی یافت شده است. بقیه انواع عبارتند از:

۱. **هر دو طرف حسّی:** یعنی یک چیز محسوس را به محسوس دیگری مانند کنیم. (تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۴)

و إن غمدوا سيف اللواحظ فی الکرى أليس لهم فى القلب ضربة لازب

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: اگر شمشیر نگاه را در غلاف کنند آیا زخمی کاری بر دلشان وجود ندارد؟ سعدی نگاه را که یک امر حسّی است به شمشیر که یک امر حسّی است تشبیه کرده است.

و من هوسى بعد المسافة بيننا يُخائلى ما بين جفنى و حاجبى

(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۲۴)

ترجمه: آرزو دارم که بین ما فاصله زیادی به اندازه فاصله میان پلک و ابرویم بیفتد. سعدی فاصله بین خود و محبوب را که حسّی و قابل درک است به فاصله بین مژه‌ها و ابروانش که حسّی است، تشبیه می‌کند.

و جارية الدنيا نعومة كفهها محببة لکنها كلب الظفر

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: کنیز دنیا لطافت دستانش دوست داشتنی است ولی ناخنش چون چنگال سگ است.

سعدی غیر از این ۳ بیت در ۲۳ بیت دیگر از تشبیه حسّی به حسّی استفاده کرده

است و در کل ۶۰٪ تشبیهات سعدی، تشبیهاتی هستند که هر دو طرف حسّی اند.

۲. مشبّه عقلی و مشبّه به حسّی: که در آن امری انتزاعی به امری حسّی مانند

می‌شود (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۸۶).

علی ظاهری صبرٌ کنسج العناكب و فی باطنی همّ کلدغ العقارب
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: بر ظاهرم صبری همانند تار عنکبوت و در درونم اندوهی چون نیش کژدم است.

سعدی در این تشبیه صبر را که یک امر عقلی است به «تارهای عنکبوت» که یک چیز حسّی است و «اندوه» را که یک امر عقلی است به «نیش کژدم» که یک شیء حسّی است تشبیه می‌کند.

بقلبی هوئ کالنمل یا صاح لم یزل تُقرضُ أحشائی و یخفی دبیئها
(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۳۲)

ترجمه: ای دوست! من در دلم عشقی دارم که مثل موربانه درونم را می‌خورد و حرکتش پیدا نیست.

سعدی عشق را که یک امر عقلی است به مورچه که حسّی است تشبیه می‌کند.

و حُرقة قلبی هیجنتنی لِنشرها کما فعلت نارُ المِجامرِ بِالعِطْرِ
(همان: ۸۶)

ترجمه: سوز دل من مرا به انتشار این شعر تشویق کرد هم‌چنان که آتش درون آتش‌دان عطر (عود) را منتشر می‌کند.

این نوع تشبیهات ۳۲ درصد تشبیهات عربی سعدی را تشکیل می‌دهند.

۳. مشبّه حسّی و مشبّه به عقلی

در این نوع تشبیه موردی حسّی به موردی عقلی مانند می‌شود. به‌گفته شمیسا این نوع تشبیه از نظر تئوری نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک مشبّه به که در صفتی اعرف و اقوی از مشبّه است حال و وضع مشبّه را در ذهن توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسّی اخفی است. از این‌رو در این‌گونه تشبیهات، شاعر خود وجه‌شبهی را که مورد نظر اوست ذکر می‌کند. بدین ترتیب این‌گونه تشبیه همواره مفصل است و اگر مجمل باشد یا فهمیده نمی‌شود و یا فهم آن

تَشَابَهَ بِالْقِيَامَةِ سَوْءٌ حَالِي وِإِلَّا لَمْ تَكُنْ شَهِدَتْ جُلُودِي

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۷)

ترجمه: بدی حال من شبیه قیامت است وگرنه پوستم به آن گواهی نمی‌داد.

أَشْبَهُ مَا أَلْقَى بِيَوْمِ قِيَامَةٍ وِ سَيْلٌ دُمُوعِي بَانْتِثَارِ الْكَوَاكِبِ

(همان: ۸۳۴)

ترجمه: آنچه را که با آن مواجه می‌شوم چون روز قیامت و سیل اشک‌هایم را چون ستارگان پراکنده می‌بینم.

سعدی بدی حال را که یک امر حسّی است به قیامت که امری عقلی است و با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود تشبیه کرده است.

كَنْسِيمِ النَّعِيمِ حَيْثُ خَلَلْتُمْ حَلَّ بِالْوَارِدِينَ رُوحٌ وَ بُشْرِي

(همان: ۸۳۵)

ترجمه: شما چون نسیم بهشت هستید که به هر جا وارد شوید به واردشوندگان نشاط و شادی وارد می‌شود.

این نوع تشبیه تنها در سه مورد از اشعار عربی سعدی یافت شده است که ۶ درصد این اشعار را تشکیل می‌دهند.

تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن

در میان حالات مختلف مفرد و مقید و مرکب که می‌توان برای مشبّه و مشبّه‌به در نظر گرفت موارد زیر در میان اشعار عربی سعدی وجود دارد:

۱. مفرد بودن مشبّه و مشبّه‌به:

وِإِنْ غَمَدُوا سَيْفَ اللّٰوَاظِحِ فِي الْكُرَى أَلَيْسَ لَهُمْ فِي الْقَلْبِ ضَرْبَةٌ لَّا زَبِ

(همان: ۸۳۱)

ترجمه: اگر شمشیر نگاه را در غلاف کنند آیا زخمی کاری بر دلشان وجود ندارد؟
سعدی در این تشبیه نگاه را به شمشیر تشبیه کرده است که هرکدام آنها یک چیز و

أَقِرُّ بَأْنَ الصَّبْرِ أَلْزَمَ مُؤَنَسٍ بَلَى فِي مَضِيْقِ الْحَبِّ أَغْدَرُ صَاحِبِ
(همان: ۸۳۱)

ترجمه: اقرار می‌کنم که شکیبایی دائمی‌ترین هم‌دم است، اما در سختی عشق بی‌وفاترین همراه است.

در این بیت، عشق را به تنگنا که هر دو مفردند تشبیه کرده است.
أَرَى سُحْبًا فِي الْجَوِّ تُمْطِرُ لَوْلَا عَلَى الرُّوْضِ لَكِنَّا عَلَيَّ كحَاصِبِ
(همان: ۸۳۱)

ترجمه: ابرهایی را در آسمان می‌بینم که بر چمن مروارید (باران) می‌باراند اما برای من چون تگرگ است.

در این مثال سُحْبُ به حاصِبِ مانند شده که هر دو مفردند.
این نوع تشبیه ۳۴ مورد از موارد تشبیهات عربی سعدی را به‌خود اختصاص داده است و به عبارتی ۸۰ درصد تشبیهات عربی وی تشبیهاتی است که در آن مشبّه و مشبّه‌به هر دو مفرد هستند.

۲. مشبّه مفرد و مشبّه‌به مقید:

أَلَا إِنَّمَا السَّعْدِيُّ مُشْتَاقٌ أَهْلِيهِ تَشَوَّقُ طَيْرٌ لِمَ يُطِيعُهُ جِنَاحُ
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۷)

ترجمه: سعدی مثل پرندۀ ای که بالش از او فرمان نمی‌برد مشتاق (دیدار) خویشان است.

غَنِيَتْ بِأَسْمِكَ وَالْجُدْرَانُ مِنْ طَرَبٍ تَكَادُ تَرْقِصُ كَالْبُعْرَانِ لِلْحَادِي
(همان: ۸۲۵)

ترجمه: وقتی به نام تو نغمه سر دادم نزدیک بود دیوارها هم‌چون شتری که با آواز ساربان به رقص درمی‌آیند، برقصند.

و سَاقٌ حَبِيْبِي حِيْنَ شَمَّرَ ذَيْلَهُ كَرَدَنْ حَرِيْرٍ مُمْتَلِ وَرَقَ الْوَرْدِ
(همان: ۸۳۷)

ترجمه: لعنت خدا بر برخی مردم باد که از روی نادانی ساق محبوب را به تگرگ

تشبیه می‌کنند.

در تمام تشبیهات بالا، مشبّه به صورت مفرد آورده شده و مشبّه به همراه با قیدی که آن را مقید کرده است. این نوع تشبیه تنها در پنج مورد از اشعار عربی سعدی یافت شده است و کمی بیش از یازده درصد اشعار او را به خود اختصاص داده است.

۳. مشبّه و مشبّه به هردو مرکب:

و مِّنْ هَوَسِي بُعْدَ الْمَسَافَةِ بَيْنَنَا
يُخَالِئُنِي مَا بَيْنَ جَفْنِي وَ حَاجِبِي

(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۲۴)

ترجمه: آرزو دارم که بین ما فاصله زیادی به اندازه فاصله میان پلک و ابرویم بیفتد. سعدی تصویر برگرفته از فاصله خود و معشوق را به تصویر برگرفته از فاصله مژه‌ها و ابروانش تشبیه می‌کند.

لَعْمَرَكْ لَوْ عَايَنْتَ لَيْلَةَ نَفْرِهِمْ
كَأَنَّ الْعَذَارَى فِي الدَّجَى شُهْبٌ تَسْرِي

(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: به جان تو سوگند اگر شب جدایی آنان را می‌دیدم، دوشیزگان چون شهاب‌هایی در تاریکی حرکت می‌کردند. سعدی حالت پراکنده شدن دوشیزگان در شب را به حالت حرکت شهاب‌ها در تاریکی تشبیه می‌کند.

و حُرْقَةُ قَلْبِي هَيِّجَتْنِي لِنَشْرِهَا
كَمَا فَعَلَتْ نَارُ الْمَجَامِرِ بِالْعِطْرِ

(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۸۶)

ترجمه: سوز دل من مرا به انتشار این شعر تشویق کرد همچنان که آتش درون آتش‌دان عطر (عود) را منتشر می‌کند. سعدی می‌گوید همان‌طور که آتش مجمر، بوی عود را منتشر می‌سازد، سوز دل مرا به نشر این قصیده برانگیخت. وی دو هیأت را به هم تشبیه می‌کند. این نوع تشبیه تنها در سه مورد از اشعار عربی سعدی یافت شده است و کمی بیش از هفت درصد اشعار او را به خود اختصاص داد.

انواع وجه شبه از نظر مفرد، متعدد و مرکب بودن

وجه شبه به سه شکل می‌آید: مفرد، متعدّد و مرکّب.

۱. وجه شبه مفرد: هنگامی که یکی بیش تر نباشد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

علی ظاهری صبرٌ کنسج العناكب و فی باطنی همَّ کَلْدَغِ العقاربِ
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۱)

ترجمه: بر ظاهرم صبری همانند تار عنکبوت و در درونم اندوهی چون نیش کژدم است.

وجه‌شبه در مصراع اولی «سستی» و در مصراع دوم «سوزناکی» است که در هر دو مورد، مفرد است. ۶۸ درصد وجه‌شبه‌ها در میان اشعار عربی سعدی از این نوع هستند.

۲. وجه‌شبه متعدد: هنگامی است که از یکی بیش‌تر باشد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

مسافر وادی الحَبِّ لم یَرَجْ مَخْلِصاً سلامٌ علی سگانِ أرضی و خَلْتی
(مویدشیرازی، ۱۳۷۲: ۳۶)

ترجمه: مسافر وادی عشق امید نجات ندارد. درود من بر ساکنان سرزمین و دیار من. در این تشبیه، عشق به وادی تشبیه شده و وجه‌شبه را می‌توان چند چیز متعدد از جمله: وسعت، خطرناکی و گرفتاری گرفت. این نوع وجه‌شبه ده بار در میان اشعار عربی سعدی تکرار شده است و ۲۲ درصد اشعار عربی او را شامل می‌شود.

۳. وجه‌شبه مرکب: هیأت حاصله از امور متعدد است و هنری‌ترین وجه‌شبه است و به اصطلاح منتزع از چند چیز است؛ یعنی تابلو و تصویری است که از مجموع جزییات گوناگون حاصل می‌شود و فقط اذهان ورزیده و مأنوس به شعر قادر به لذت‌بردن از آنند و بدین لحاظ ممکن است ذهنی نسبت به ذهن دیگر جزییات بیش‌تری از تصویر را دریابد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

بقلبی هوئی کالنملِ یا صاحِ لم یزل تُقَرِّضُ أحشائی و یخفی دَبیبُها
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۳۰)

ترجمه: ای دوست! من در دلم عشقی دارم که مثل موربانه درونم را می‌خورد و حرکتش پیدا نیست.

سعدی عشق را به موربانه‌ای تشبیه کرده که اندرونش را می‌خورد و وجه‌شبه، هیأت حاصل از چند چیز است یعنی از درون و پنهانی چیزی را خوردن و خالی کردن. این نوع تشبیه تنها ۹ درصد اشعار عربی سعدی را به خود اختصاص داده است.

انواع وجه‌شبه از نظر تحقیقی و تخیلی بودن

وجه‌شبه به اعتبار وجودش از جنبه خیالی بودن یا واقعی بودن به دو گروه تحقیقی و تخیلی تقسیم می‌شود (الدیاجی، ۱۳۷۶: ۵۰).

۱. **وجه‌شبه تحقیقی:** مراد از وجه‌شبه تحقیقی آن است که شباهت مورد نظر حقیقتاً در دو طرف تشبیه وجود داشته باشد:

كَأَنَّ دَمَ الْأَخْوَيْنِ أَصْبَحَ نَابِتًا بِمَذْبَحِ قَتْلَى فِي جَوَانِبِهَا الْحُمْرِ
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۲)

ترجمه: گویی خون برادران در قربان‌گاه کشتگان در کناره‌های سرخ آن روییده است. وجه‌شبه سرخی است که در هر دو طرف موجود است.

و ساقُ حَبِيبِي حِينَ شَمَّرَ ذَيْلَهُ كَرَدَنِ حَرِيرٍ مُمْتَلِ رِقِّ الْوَرْدِ
(همان: ۸۳۷)

ترجمه: ساق محبوب من وقتی که دامن بالا بزند چون آستین ابریشمی پر از گلبرگ است.

این کشف شاعر در وجه‌شبه جنبه‌ای اقناعی دارد و شنونده آن را می‌پذیرد.

۲. **وجه‌شبه تخیلی:** آن است که مورد مشابهت در طرفین یا در یکی از آنها خیالی و ادعایی باشد؛ یعنی اصلاً در عالم واقع چنان چیزی حقیقت نداشته باشد:

أَدِيرْتُ كَوْوَسُ الْمَوْتِ حَتَّى كَأَنَّهُ رُوُوسُ الْأَسَارَى تَرَجَّحَنَّ مِنَ السُّكْرِ
(همان: ۸۲۱)

سعدی ادعا کرده است که مرگ مانند جام است و این مسأله، خیالی است.

تَشَابَهَ بِالْقِيَامَةِ سَوْءٌ حَالِي وَإِلَّا لَمْ تَكُنْ شَهْدَتِ جُلُودِي
(سعدی، ۱۳۷۴: ۸۲۷)

ترجمه: بدی حال من شبیه قیامت است و گرنه پوستم به آن گواهی نمی‌داد. سعدی از هر دو نوع وجه‌شبه تحقیقی و تخیلی به تعداد زیاد استفاده کرده است. در اینجا حال بد شاعر به قیامت تشبیه شده که خیالی است.

نتیجه

در نظر دانشمندان بلاغت، تشبیه مجمل از مفصل بهتر و مؤکد از مرسل، بلیغ‌تر است اما در میان اشعار عربی سعدی، تشبیه مفصل بیش‌تر از مجمل و تشبیه مرسل بیش‌تر از مؤکد ذکر شده است و این مسأله باعث پایین‌آمدن سطح هنری تشبیهات او شده است.

استفاده سعدی از تشبیه بلیغ به نسبت خوب است و این مسأله تا حدودی ایراد بالا را جبران کرده است.

استفاده سعدی از تشبیه ملفوف و مفروق و تسویه و جمع و... کم است و این مسأله نشان‌دهنده این است که او به دنبال هنرنمایی و به‌رخ‌کشیدن هنر شاعری‌اش نبوده است و در صدد ابلاغ معنا بوده است و به‌ظاهر توجه چندانی نداشته است.

از نظر حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه بیش‌ترین درصد را تشبیه حسی به حسی (۶۰ درصد) به خود اختصاص داده است و این مسأله باعث می‌شود که اگر از نظر سبک‌شناسی بخواهیم تشبیهات سعدی را در یکی از ادوار شعری فارسی قرار دهیم، سبک خراسانی را انتخاب می‌کنیم که قدیمی‌ترین دوره در میان ادوار شعر فارسی است. زیرا «تشبیه حسی به حسی در ادبیات قدیم معروف به سبک خراسانی رایج بوده است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۱). این که می‌گوییم شعر سعدی مربوط به سبک خراسانی یعنی اولین دوره شعر فارسی است به هیچ‌وجه به این معنا نیست که شعر او سطح پایین و ابتدایی است بلکه این مسأله ارزش شعر او را می‌رساند که با هنرنمایی تمام مضامین پیچیده را با بیانی روان و ساده بیان داشته است. سیروس شمیسا این مسأله را به‌زیبایی بیان داشته است که «سعدی از نظر زبان خراسانی و از نظر فکر عراقی است» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

تشبیه خیالی و وهمی در میان اشعار عربی سعدی وجود ندارد اما این مسأله باعث پایین‌آمدن سطح تخیل در اشعار وی نشده است.

وجه‌شبه‌ها در اشعار عربی سعدی بیش‌تر تحقیقی هستند تا تخیلی. تازگی و جوه‌شبه اشعار عربی سعدی در حد تعادل است، یعنی زیاد تکراری نیست و هم‌چنین خیلی هم تازه و ساخته ذهن او نیست.

در اشعار عربی سعدی زاویه تشبیه خیلی باز نیست، خیلی هم مبتدل و بسته نیست. ضمن این که باز بودن زاویه تشبیه در این اشعار باعث غریب شدن آن نشده است. محوری ترین موضوع تشبیهات سعدی حول محور عشق و معشوق است و در موضوعات مربوط به مشکلات و سختی‌هایش و سپس روزگار غدار و مرگ در مرتبه بعد جای دارد.

کاربرد تشبیه در اشعار عربی سعدی به گونه‌ای است که شعر او را از نظر کیفیت در جایگاه مطلوبی قرار داده است. این نوع از شعر سعدی تشبیهات نیکویی را دربردارد که بر غنای شعر او می‌افزاید. اما از نظر کمیت نیازمند به مقایسه با اشعار دیگر شعرای برجسته فارسی است که از حوصله این مقاله بیرون است.

منابع

- اردلان جوان، علی، (۱۳۷۴)، *تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی*، انتشارات پازنگ، تهران.
- الدیاجی، الدكتور سید ابراهیم، (۱۳۷۶)، *بداية البلاغة*، سمت، تهران.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۸۵)، *معانی و بیان*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۷)، *مطول*، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
- رحمتی، یاسر، (۱۳۸۹)، *تشبیه و استعاره در عیبه‌العاشقین (پایان‌نامه)*، دانشگاه مازندران، بابلسر.
- رضایی هفتادری، اسماعیلی / غلامعباس، رقیه، (۱۳۹۰)، *کتابنامه پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات عربی در سراسر کشور (۲)*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۴)، *کلیات*، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات نگاه، تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، *صورخیال در شعر فارسی*، چاپ چهارم، انتشارات آگاه، تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، *بیان*، انتشارات فردوس، تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۵)، *سبک‌شناسی شعر*، انتشارات میترا، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۳)، *آیین سخن (مختصری در معانی و بیان فارسی)*، انتشارات ققنوس، تهران.
- طالبیان، یحیی، (۱۳۸۴)، *بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه*، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۲، شماره اول (پیاپی ۴۲)، ص ۸۱.
- عرفان، حسن، (۱۳۸۱)، *ترجمه و شرح جواهرالبلاغه (جلد دوم)*، نشر بلاغت، قم.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۲)، *درباره ادبیات و نقد ادبی (۲)*، انتشارات امیرکبیر، تهران.

مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، (۱۳۷۶)، *أنوار البلاغه*، به کوشش محمد علی غلامی نژاد، نشر قبله، تهران.

محمدزاده داغمه‌چی، مرتضی، (۱۳۹۰)، *تشبیه و مواد تصاویر آن در قصاید فارسی خاقانی (پایان‌نامه)*، دانشگاه مازندران.

مسعود، جبران، (۱۳۸۷)، *الرائد (برای دانشجویان)*، مترجم: انزایی نژاد، رضا، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.

مویدشیرازی، جعفر، (۱۳۶۳)، *ارزیابی اشعار عربی سعدی، آینده، سال دهم، شماره ۱۰ و ۱۱، ص ۵۴*.

مویدشیرازی، جعفر، (۱۳۷۲)، *شعرهای عربی سعدی شیرازی*، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

همایی، ماهدخت بانو، (۱۳۷۳)، *یادداشت‌های علامه‌همایی درباره معانی و بیان*، نشر هما، تهران.

Archive of SID